



کریاسچی، شهردار سابق تهران: تخلیه تهران، شبیه به شوخی است!



نگاه تحلیلیگر

صداقت یا ساده‌انگاری؟

تأملی در رفتارشناسی رئیس‌جمهور

رضا رئیسی

روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی



در کارزار انتخاباتی مسعود پزشکیان، یکی از دلایل عمده گزینش وی از سوی مردم و برتری بر رقیب، مدل خاص رفتاری و گفتاری وی بود که سادگی و صداقت و بی‌آلایشی رئیس‌جمهوری از جنس مردم عادی را به اذهان عمومی متبادر و چهره‌ای متفاوت از اوتزسیم می‌کرد و مایه جحان و برتری مسعود پزشکیان در رسیدن به کرسی ریاست‌جمهوری شد اما هر چه جلوتر آمدیم، این سبک گفتاری و واژه‌گزینی رئیس‌دولت چهاردهم جلوه‌های دیگری از خود به نمایش گذاشت. شماری از طرفداران و حامیان پروپاقرص پزشکیان به سبک کمپین‌های تبلیغاتی، انتخاباتی این شاخصه‌های رفتاری و گفتاری پزشکیان را در مقام ریاست‌جمهوری نیز می‌ستایند و آن را حسن وی قلمداد می‌کنند؛ بی‌آنکه توجه داشته باشند جایگاه و پرنسپم مسئولیت تازه‌گزین و گزاره‌ای متفاوت از یک نامزد ریاست‌جمهوری یا نماینده مجلس است و الزامات و اقتضائات متفاوتی را می‌طلبد. طبیعی است که حضور در عالی‌ترین منصب اجرایی کشور، ریاست‌شورای عالی امنیت‌ملی و تکیه بر جایگاه دومین مقام عالی‌رتبه نظام، امر سهیل و آسانی برای هیچ کنشگر سیاسی نیست و تکیه بر چنین جایگاهی و حفظ و ارتقای نقش آن در معادلات و مناسبات و مرادفات ساخت قدرت به نمایندگی از ملت، اقتضائات و الزاماتی از منظر داخلی و خارجی دارد و شامل بر قواعد و چارچوب‌های خاص و غیرقابل چشم‌پوشی از سوی هر آن کسی است که بر چنین منصب و جایگاهی تکیه می‌زند. در صورت‌بندی واکنش‌های مسعود پزشکیان می‌توان به ابعاد گفتاری و رفتاری وی به شکلی مجزا اشاره و تصریح داشت.

از منظر رفتاری و مرادده پزشکیان در مقام ریاست‌جمهوری بافضای پیرامونی، او از همان ابتدا عنوان کرد پروتکل‌پذیر نیست و در برخی مواضع کنترل‌پذیری مرسوم و متداول نسبت به این جایگاه را پذیرا نیست. این امر تا هنگامی که او دیوار حائل یا بدنه اجتماعی را خندسدار کند و ارتباط وثیق تری با مردم داشته باشد، امر مذموم و ناپسندی نیست و از آن حیث که رفتار بی‌تکلف موجب ارتقای حس همذات‌پنداری یا توده‌های مردم را فراهم می‌کند، حتی مطلوب و پسندیده هم هست. اما وقتی در دیدارهای رسمی و در مرادفات دیپلماتیک و در مواجهه با کنشگران سیاسی داخلی و خارجی، رئیس‌دولت از پروتکل‌های قاعده‌مند و متعارف عدول می‌کند و قائم به شخصیت و منش فردی به رفتاری می‌پردازد و به مواجهه با دیگران می‌رود، مشکلات آغاز می‌شود. به عنوان مثال، پزشکیان عادت دارد که در مقابل دیگران فارغ از جایگاه سیاسی و اجتماعی، مرتبه شغلی یا سن و سال، به نشانه احترام دست بر سینه می‌گذارد؛ اما وقتی او همین کار را در مرادفات دیپلماتیک و مواجعات با مقامات خارجی انجام می‌دهد، اقدام او معنای متفاوتی می‌یابد و باعث سوءتفاهمات در داخل و خارج را فراهم می‌کند. بگذریم از آنکه انعکاس چهره‌ای مقتدرانه از رئیس‌جمهوری که بخش عمده‌ای از آن به رعایت برخی قواعد رفتاری از سوی وی مرتبط است، می‌تواند تا حد زیادی در واکنش و عملکردهای سیاستمداران در مواجهه با او و در نهایت رفق و فتنه‌بینه امور ملت، مهم و تأثیرگذار باشد.

در حیطه گفتاری که بخش عمده‌ای از تفاوت پزشکیان با اسلاف خود در این جایگاه را شکل می‌دهد؛ او به وضوح پروتکل‌پذیر نیست و تا حد زیادی عامیانه و به دور از قواعد مرسوم منتسب به این جایگاه حرف می‌زند. تکیه کلام‌های منحصر به فرد او تا حدی زیاد است و به گوش همگان رسیده که نیاز به شرح و وسط و تفصیل در این مقال ندارد. شاید هم لزوماً به کارگیری چنین واژگانی ایرادی هم نداشته باشد. اما موضوع وقتی جدی و آسیب‌زا می‌شود که دومین شخصیت نظام با ساده‌نگری به مسائل غامض و پیچیده سیاست داخلی و خارجی ورود می‌کند و سخنانی به زبان می‌آورد که تبعات پیمایی بر آن مترتب و متصور است. در حوزه سیاست خارجی، پزشکیان رویکرد گفتاری عامیانه و بی‌پیچیدگی را در پیش گرفت که شاید هم می‌توانست اگر جسارت و شجاعت در کنارش باشد، منجر به گره‌گشایی در این پرونده پیچیده و غامض شود. اما در فقدان جسارت و ابتکار ضمیمه، فقط دستمای تند شدن فضای داخلی از سوی برخی طیف‌ها نسبت به تعامل‌گرایی در حوزه سیاست خارجی شد. در داخل اما بخشی از گفتارها عجیب و تعجب‌آور است. از برخی سخنان در حوزه ناترازی گرفته تا توجیهات نسبت به خلف وعده‌ها و تکرار مکررتی چون «دعوا نکنیم» و این اواخر هم ارائه راه‌حل در موضوع حل ابربحران‌هایی چون کمبود آب و مشکلات عدیده پایتخت. اکنون موسم تبلیغات و کارزار انتخاباتی نیست که مخاطب برای صداقت و سادگی پزشکیان دلش غنچ رود و جیغ و هورا بکشد. اکنون ساده‌نگری و اظهارات عامیانه و بدون پشتوانه در خصوص بحران‌ها و حل و فصل مشکلات عدیده، مخاطب را پس می‌زند و نگاه و اعتماد او نسبت به توانایی دولت در حل و فصل مشکلات را مخدوش و حس همذات‌پنداری میان ملت و دولت را ملوک می‌کند.

تلاش برای خلاصی از قانون سزار

هفته گذشته با تصویب قطعنامه پیشنهادی آمریکا در شورای امنیت، نام جولانی و وزیر کشور حکومت موقت سوریه از فهرست تحریم‌های سازمان ملل و سپس لیست تحریم‌های بریتانیا خارج شد. همچنین آمریکا از شهریور ماه لغو تحریم‌های دولتی اعمال شده بر سوریه را آغاز کرد. اما ماجرای اصلی برای سوریه‌ها، قانون سزار است. قانون تحریم سزار، بسته تحریمی گسترده آمریکا است که در دسامبر ۲۰۱۹ علیه سوریه با هدف فشار اقتصادی بر حکومت بشار اسد وضع شد. این تحریم‌ها شامل افراد و نهادهای وابسته به دولت، بانک‌ها، شرکت‌های نفت و انرژی و همچنین تجارت املاک و صادرات سوریه بود و اجرای آن باعث شد بسیاری از کشورها و شرکت‌ها از همکاری با دمشق خودداری کنند. پس از این دیدار، وزارت خزانه‌داری آمریکا اعلام کرد تمام تحریم‌های وضع شده علیه دولت سوریه تحت قانون سزار ۲۰۱۹ به مدت ۱۸۰ روز به حالت تعلیق درمی‌آید و این اقدام، برای فراهم کردن زمینه بازسازی و شکوفایی سوریه با لغو تحریم‌های آمریکا و تضمین پاسخگویی عوامل مضر است. وزارت خزانه‌داری آمریکا اضافه کرد که تحریم‌های مربوط به معاملات با ایران و روسیه سر جای خود باقی مانده است. رفع کامل تحریم سزار به کنگره آمریکا بستگی دارد. در حال حاضر کنگره آمریکا مشغول بررسی دو طرح در این زمینه است. یک طرح از سوی سناتور جین شاهی، رئیس دموکرات کمیته روابط خارجی سنا ارائه شده که خواستار لغوی قید و شرط تحریم‌هاست. همچنین طرح دیگری از سوی سناتور لیندزی گراهام جمهوری خواه ارائه شده که خواستار لغو مشروط و بازبینی دوره‌ای تحریم‌ها در بازه‌های زمانی ۶ ماهه است.

دو دیدار در واشنگتن

بر اساس گزارش خبرگزاری رسمی سوریه، جولانی پس از ورود به واشنگتن همراه با الشیبانی و تام باراک با جمعی از سوری‌های مقیم آمریکا ملاقات کرد. این خبرگزاری نوشت که «الشرع به دستاوردهای داخلی و بین‌المللی دولت جدید پرداخت و آن را نشانه‌ای از دوران تازه ثبات و بازسازی در کشور دانست. در سخنانی بر نقش سوریه‌های خارج از کشور در حفظ ارتباط با وطن و بازتاب چهره واقعی سوریه در صحنه جهانی تأکید کرد و گفت: جامعه سوریان مقیم خارج، پلی میان ملت و دولت است و می‌تواند صدای حقانیت مردم سوریه را در جهان طنین‌انداز کند.» برایان مست، عضو جمهوری خواه کنگره آمریکا نیز دیدار خود با جولانی را اینگونه روایت کرد: «گفت‌وگوی طولانی و جدی در مورد چگونگی ساختن آینده‌ای عاری از جنگ، داعش و افراط‌گرایی برای مردم سوریه داشتیم. من مستقیماً از او پرسیدم که چرا ما دیگر دشمن نیستیم؟ و پاسخ جولانی این بود که از روز دارد از گذشته‌رهایی یابد و برای مردم و کشورش هدفی والا داشته باشد و متحد بزرگی برای آمریکا باشد.» مست کههنه‌سریازی است که سال ۲۰۱۰ طی انفجاری در جنگ افغانستان هر دو پای خود را از دست داد و با پای مصنوعی تردد می‌کند.



شهردار، ایشان قانون‌مدار و شورای شهر متخلف است. اگر فرض کنیم کل ماجرا و صحبت‌های ایشان درست باشد و ایشان شاخه‌ای پیوندی سالم باشد و مجموعه شورای شهر هم در ختی درهم‌پیچیده با همه کاستی‌ها و ضعف‌هایش، چگونه می‌توان با زیر سؤال بردن رای و تصمیم شورای شهر، هنوز برای شاخه اصالتی قائل شد؟ چرا که اصالت شاخه از تنه و از درخت خود می‌گیرد. به بیان ساده و شفاف عرض می‌کنم؛ اگر حتی شورای شهر را در ذهن خود پایبند به قانون نمی‌دانستید، خرد حکم می‌کرد که برای حفظ شأن اصلی‌ترین تصمیم آن، یعنی انتخاب جنابعالی به عنوان شهردار همان زمان استعفا می‌دادید. البته ماهی را هر وقت از آب بگیرند تازه است؛ امروز هم می‌توانید استعفا دهید. «او افزود: «وگرنه، به زعم خودتان، چگونه می‌تواند یک قانون‌مدار ننگ محصول بی‌قانونی بودن را تحمل کند؟ بی‌تردید برای آن که عیار قانون‌مداری شما مشخص شود، هیچ چیز بهتر از استعفا می‌تواند شمانیست. وگرنه عاقل برای یک دستمال، قیصریه را به آتش نمی‌کشد. حال اگر نهادهای بخواد تبدیل به سازمانی شود، واقعاً ارزش تیشه زدن به ریشه را دارد؟ آن‌هم نه ریشه دیگران، بلکه ریشه‌ای که شما بر آن استوار هستید و از آن اصالت گرفته‌اید. البته جمع‌بندی با شماست، بیش از این هم سخنی نیست. انتظار ما از شما روشن است و نیازی به تکرار ندارد.»

اگر حضور زاکانی غیر قانونی باشد باید برود

علی اصغر قائمی، عضو شورای شهر تهران درباره



سرنوشت زاکانی در صورت ابلاغ این مصوبه هیات وزیران به هم می‌پهن گفت: «به خودشان [زاکانی] باشد نمی‌روند. هر چند که خانم سلیمان محترم‌مانه، مودبانه، در چارچوب قانون و حسب اتفاق که رخ داده از ایشان خواست که استعفا بدهد و از شهرداری برود. اما من بعید می‌دانم ایشان اهل این کار [استعفا] باشد و شهرداری را رها کند. اما قانونی که از آن یاد می‌کنید که باید در مراحل آن طی شود، اگر ابلاغ گردد و واقعا ادامه حضور آقای زاکانی غیرقانونی باشد، طبیعتاً ایشان مکلف است که از شهرداری برود. کم‌اینکه در دوره پنجم هم بعد از شهرداری آقای نجفی و آمدن کوتاه‌مدت آقای افشانی به دلیل قانون منع به کارگیری بازنشستگان مصوب شد، شورای شهر تهران از آقای افشانی تشکر کرد و ایشان بدون هیچ حاشیه‌ای شهرداری را ترک کرد. پس از آن شورای شهر تهران شهردار بعدی را انتخاب کرد. به نظر در حال حاضر هم این شرایط حادث می‌شود اما هنوز این مصوبه ابلاغ نشده و نمی‌توان به صورت قطعی نسبت به آن اظهار نظر کرد.»

او در پاسخ به این سوال که اگر پس از ابلاغ این مصوبه حضور آقای زاکانی غیرقانونی باشد، ایشان به آرامی آقای افشانی از شهرداری می‌رود؟ گفت: «امیدوارم.»

عکس نوشت

بیضه زاغ

درباره عکسی از جولانی و ترامپ

امیر جدیدی

عکاس و روزنامه‌نگار

آش دیدار احمدالشرع و ترامپ چنان شور است که فریاد و فغان بی انصافان عالم را هم درآورد. ظاهراً دنیای سیاست، آن هم در عرصه بین‌الملل پیچیده‌تر از آن است که با عقل یکی مثل من جور دربیاید.

در دنیای ذهنی همچون من، کسی که در تمام دوران کودکی، نوجوانی و جوانی اش همه آرمانش از بین بردن «رهبر کفر جهانی» بوده، هیچ‌رقمه نمی‌تواند عتر بلند شود و به پایوس دشمنش برود. اما واقعیت این است که عرصه سیاست کاری به دنیای ذهنی ما آدم‌های معمولی ندارد. در دنیای سیاست جولانی که همه نوجوانی و جوانی اش را با اعضای القاعده نون و نمک خورده و آس و اساس اندیشه‌اش دشمنی با غرب و برپایی حکومت اسلامی بوده مثل بارپایا عوض می‌شود و تصویری از خود نشان می‌دهد که شاهد آن هستید. جولانی یا هر کس دیگر در قد و قواره اش می‌تواند در اندیشه‌اش هر تغییری بدهد و یک جهان هم قبولش کنند. نکته اما اینکه وقتی به عکس‌های جولانی در این روزها نگاه کنی، یک چیزی بدجور توی ذوق آدم می‌زند. هر بار بعد از دیدن عکس او به این فکر می‌کنم که چرا یک جای کار می‌لنگد. یک حرفی می‌خواهم بزنم که برایش دلیل عقلی و علمی ندارم. اول بگویم که شخصاً از پوشیدن کت و شلوار خوشم نمی‌آید و چه بشود که این اسباب ناراحتی را به تن کنم. بنابراین آنچه در ادامه می‌گویم هیچ رقه‌بالا نشانیدن این لباس بردگی نیست. احتمالاً شما هم بین اطرافیان‌تان فامیل‌هایی دارید که عروسی به عروسی کت و شلوار به تن می‌کنند و کراوات می‌بندند. واقعیت این است که طبق تجربه شخصی به این نتیجه رسیده‌ام که این لباس یک چیزی در درونش نهفته دارد که باید طی سال‌ها و گذر دوران در وجود آدمیزاد تعنشین شود. وگرنه برای آدمی که این کاره نیست اگر «پیرکاردن» و «هوکوباس» و «تام‌فور» دست به دست هم بدهند و بخواهند که کت و شلوار را به تن کسی مثل جولانی برانزند کنند، همچون هاونی که در آب کوفته شود هیچ دستاوردی نصیب‌شان نمی‌شود که نمی‌شود. ظاهراً قواعد پوشیدن این لباس شبیه به حرفی است که سام میرزا صفوی در تحفه سامی گفته:

اگر بیضه زاغ ظلمت سرشت / نهی زیر طاووس باغ بهشت
به هنگام آن بیضه پروردنش / ز انجیر جنت دهی ارزش
دهی آبش از چشمه سلسبیل / بدان بیضه گر دم دمد جبرئیل
شود عاقبت بیضه زاغ، زاغ / کشد رنج بیهوده طاووس باغ

